

- UN OHCHR c, (16 November 2023), *Gaza: UN experts call on international community to prevent genocide against the Palestinian people*, <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2023/11/gaza-un-experts-call-international-community-preventgenocide-against>
- UN OHCHR d, (20 November 2023), *Women bearing the brunt of Israel-Gaza conflict: UN expert*, <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2023/11/women-bearing-brunt-israel-gaza-conflict-un-expert>
- UN OHCHR e, (8 December 2023), *UN experts urge States to unite for peace and push for ceasefire in Gaza*: <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2023/12/un-experts-urge-states-unite-peace-and-push-ceasefire-gaza>
- UN Press Release, (20 November 2023), *Women bearing the brunt of Israel-Gaza conflict: UN expert*, <https://www.ohchr.org/en/press-releases/2023/11/women-bearing-brunt-israel-gaza-conflict-un-expert>
- UN Secretary-General, (22 December 2023), *Press Conference at United Nations Headquarters*, <https://press.un.org/en/2023/sgsm22095.doc.htm>.
- UNICEF a, (1 December 2023), *Statement by UNICEF Executive Director Catherine Russell on the Resumption of Fighting in Gaza*, <https://www.unicef.org.uk/press-releases/statement-by-unicef-executive-director-catherine-russell-on-theresumption-of-fighting-in-gaza/>.
- UNICEF b, (15 December 2023), “*CNN speaks to UNICEF about dire situation in Gaza*”, CNN <https://edition.cnn.com/videos/world/2023/12/15/exp-unicef-gaza-james-elder-live-121402pseg1-cnni-world.cnn>.
- UNRWA, (7 December 2023), *Letter from UNRWA Commissioner-General Philippe Lazzarini to the UN General Assembly President Mr. Dennis Francis*, <https://www.unrwa.org/resources/un-unrwa/letter-unrwa-commissioner-generalphilippe-lazzarini-un-general-assembly> (emphasis added)
- Vaturi, Nissim Deputy Speaker of the Knesset. Member of the Foreign Affairs and Security Committee, (October 7, 2023) @nissimv, Tweet (5:33 pm.) <https://twitter.com/nissimv/status/1710694866009596169>.
- Veracini, Lorenzo (2010), *Settler colonialism: a theoretical overview*, UK: Palgrave Macmillan.
- WHO a, (20 October 2023), *White Phosphorus*, <https://www.who.int/news-room/fact-sheets/detail/white-phosphorus>.
- WHO b, (21 December 2023), *Lethal combination of hunger and disease to lead to more deaths in Gaza*, <https://www.who.int/news/item/21-12-2023-lethal-combination-of-hunger-and-disease-to-lead-to-more-deaths-in-gaza>
- WHO c, (3 November 2023), *Women and newborns bearing the brunt of the conflict in Gaza, UN agencies warn*, <https://www.who.int/news/item/03-11-2023-women-and-newborns-bearing-the-brunt-of-the-conflict-in-gaza-un-agencieswarn>

Wilde, Ralph (2020), “Using the Master’s Tools to Dismantle the Master’s House: International Law and Palestinian Liberation”, *the palestine Yearbook of international law*, 22: 3–74

Zamani, Ghasem and Reza Shiran Khorasani (2018), “The distinction between extermination as an example of crimes against humanity and genocide in the light of the Statute of the International Criminal court”, *Legal Research Quarterly*, 80: 135-156 (In Persian)

Discourse Analysis And Investigation of Effective Factors in the Evolution of Iraq's Foreign Policy in the Framework of Neoclassical Realism

Mohammad Kamali Gooki *

Assistant Professor, Law, Political Sciences and History Department - Political Sciences, yazd University, m.kamali@yazd.ac.ir

Sina Alizadeh

Senior Expert in Political Science and Researcher in Iraq, alizadeh.sina.aliz@gmail.com

Abstract

Objective: With the collapse of the Baath regime in 2003, Iraq entered a new period in which systemic and internal factors affected the country's foreign policy. This research aims to investigate the effective factors in the evolution of Iraq's foreign policy after the fall of the Baath regime, to better understand Iraq's foreign policy as an important neighbor for Iran, and to understand the evolution in the foreign policy discourses of this country.

Method: This research is done with the method of collecting information through documents (studying related documents) and using the theory of neoclassical realism to analyze the internal and systemic factors affecting Iraq's foreign policy.

Findings: After examining the documents, this research found out the dependence of Iraq's foreign policy on foreign powers, especially the United States. After the fall of the Baath regime, a gradual trend towards the balance of power and relative independence in foreign policy was observed over time and the role of several factors in the evolution of Iraq's foreign policy, including the internal structure of Iraq, regional and international developments, pressure from foreign powers, and Iraqi public opinion.

Conclusion: This research concluded that Iraq's foreign policy has been affected by several factors at the internal and systemic levels. Neoclassical realism provides a suitable framework to explain these developments. Understanding the developments of Iraq's foreign policy is important for the relations between Iran and this country.

Keywords: Foreign Policy, Iraq, Neoclassical Realism, Internal Factors, Systematic Factors.

Article type: Research

* Received on 16 March, 2024 Accepted on 11 June, 2024

Cite this article: Kamali Gooki & Alizadeh (2024) Discourse Analysis And Investigation of Effective Factors in the Evolution of Iraq's Foreign Policy in the Framework of Neoclassical Realism, Spring 2024, Vol.13, NO.1, 169-192.

DOI: 10.30479/psiw.2024.20122.3317

© The Author(s).



Publisher: Imam Khomeini International University.

Corresponding Author: Mohammad Kamali Gooki (m.kamali@yazd.ac.ir)

تحلیل گفتمان و بررسی عوامل مؤثر در تحول سیاست خارجی عراق در چهارچوب واقع‌گرایی نوکلاسیک

محمد کمالی گوکی * ID

استادیار علوم سیاسی دانشکده حقوق، علوم سیاسی و تاریخ دانشگاه یزد، m.kamali@yazd.ac.ir

سینا علیزاده

کارشناس ارشد علوم سیاسی و پژوهشگر حوزه عراق. salizadeh.sina.aliz@gmail.com

چکیده

هدف: با فروپاشی نظام بعث در سال ۲۰۰۳، عراق وارد دوره‌ای جدید شد که در آن، عوامل سیستمی و داخلی به طور فزاینده‌ای بر سیاست خارجی این کشور اثر گذاشت. این پژوهش با هدف بررسی عمیق‌تر عوامل مؤثر در تحول سیاست خارجی عراق پس از سقوط رژیم بعث، شناخت بهتر سیاست خارجی عراق به عنوان همسایه‌ای مهم برای ایران و درک دقیق‌تر تحول در گفتمان‌های سیاست خارجی این کشور تبیین شده است.

روش: این پژوهش با روش جمع‌آوری اطلاعات از طریق اسنادی (مطالعه اسناد و مدارک مرتبط) و استفاده از نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک برای تحلیل عوامل داخلی و سیستمی مؤثر بر سیاست خارجی عراق صورت می‌گیرد.

یافته‌ها: این پژوهش پس از بررسی اسناد به وابستگی شدید سیاست خارجی عراق به قدرت‌های خارجی به ویژه ایالات متحده در ابتدای دوره پس از سقوط رژیم بعث/گرایش تدریجی به سوی توازن قوا و استقلال نسبی در سیاست خارجی عراق در طول زمان/ و نقش‌آفرینی عوامل متعددی در تحول سیاست خارجی عراق از جمله ساختار داخلی عراق، تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، فشار قدرت‌های خارجی، افکار عمومی عراق پی برد.

نتیجه‌گیری: این پژوهش به این نتیجه رسید که سیاست خارجی عراق تحت تأثیر عوامل متعددی در سطوح داخلی و سیستمی قرار گرفته است واقع‌گرایی نوکلاسیک چارچوبی مناسب برای تبیین این تحولات ارائه می‌کند. شناخت دقیق تحولات سیاست خارجی عراق برای روابط ایران و این کشور حائز اهمیت است.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی، عراق، واقع‌گرایی نوکلاسیک، عوامل داخلی، عوامل سیستماتیک.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۲۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۳/۲۲
استناد: کمالی گوکی، علیزاده (۱۴۰۳)، تحلیل گفتمان و بررسی عوامل مؤثر در تحول سیاست خارجی عراق در چهارچوب واقع‌گرایی نوکلاسیک، بهار ۱۴۰۳، دوره ۱۳، شماره ۱، پیاپی ۴۹: ۱۶۹-۱۹۲.



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) حق مؤلف ©

مقدمه

حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ نقطه عطفی در تاریخ این کشور و کل منطقه به شمار می‌رود. این رویداد، مؤلفه‌های جدیدی را به عرصه سیاسی-امنیتی عراق وارد کرد که نیازمند طراحی‌ها و سیاست‌گذاری‌های دقیق و متفاوتی از سوی بازیگران مختلف دولتی و فرادولتی است. در گذشته، تهدیدات امنیتی ناشی از عراق برای ایران عمدتاً بر پایه ساختار و شرایط داخلی عراق و رویکردهای رهبران آن استوار بود اما با حضور آمریکا در عراق، این تهدیدات به تعامل پیچیده‌ای میان مؤلفه‌های داخلی و خارجی تبدیل شده است. تحلیل سیاست خارجی دولت‌هایی که در پی تحقق منافع ملی خود هستند، اغلب در چهارچوب پارادایم‌های واقع‌گرایی کلاسیک و نو واقع‌گرایی انجام می‌شود. با این حال، این نظریه‌ها به دلیل ماهیت تقلیل‌گرایانه خود در تحلیل سیاست خارجی کشورهایی مانند جمهوری پارلمانی دموکراتیک فدرال عراق دچار نقص هستند واقع‌گرایی کلاسیک، صرفاً منابع سیاست خارجی را به متغیرهای سطح واحد (مانند قدرت ملی) تقلیل می‌دهد و به الزامات و اجبارهای نظام بین‌الملل چندان توجه نمی‌کند. نو واقع‌گرایی، صرفاً بر اساس منطق جبرگرایانه خود، همه چیز را به ساختار نظام بین‌الملل تقلیل می‌دهد و ارزش‌چندانی برای ویژگی‌ها و خصوصیات ملی کشورها قائل نیست. برای رفع نواقص و نارسایی‌های واقع‌گرایی و نو واقع‌گرایی، نظریه «واقع‌گرایی نوکلاسیک» در چهارچوب پارادایم واقع‌گرایی ارائه می‌شود. این نظریه به طور همزمان به دو سطح «ساختار بین‌الملل» و «واحد» در تحلیل سیاست خارجی توجه می‌کند. با استقرار نظام سیاسی جدید در عراق بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله ایران و آمریکا، تلاش کرده‌اند تا حلقه‌های تصمیم‌گیر در سیاست خارجی بغداد را تحت‌الشعاع قرار داده و رفتارهای خود را در نظر دولت و جامعه عراق مشروع جلوه دهند. عراق به دلیل منابع نفت و گاز و موقعیت راهبردی خود در منطقه غرب آسیا به طور فزاینده‌ای بین بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دو قطبی شده است. این امر در دو دهه گذشته مانع از دستیابی عراق به استقلال واقعی در سیاست خارجی خود شده است. در شرایط ابتدایی عراق جدید، رقابت میان جمهوری اسلامی ایران و آمریکا و بازیگران همسو با آنها، گفتمان‌های حاکم در عراق را به سمت جانبداری از دو سر این طیف سوق داد اما به نظر می‌رسد در سالیان گذشته، حاکمیت عراق در مواضع اعلانی و عملی خود، توازن در سیاست خارجی و کاهش رقابت ایران و آمریکا در خاک عراق را هدف‌گذاری کرده است. این پژوهش با توجه به اینکه تاکنون اثری در این خصوص به چاپ نرسیده است با هدف تبیین عوامل مؤثر در تحول گفتمانی سیاست خارجی عراق، تحلیل تأثیر ساختار بین‌الملل بر سیاست خارجی عراق و بررسی پیشران‌های سطح داخلی در تحول سیاست خارجی عراق به نگارش درآمده است. در این راستا پس از ارائه نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک به تحلیل عوامل مؤثر در تحول گفتمانی سیاست خارجی عراق یعنی تأثیر ساختار بین‌الملل (بررسی نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای) و عوامل داخلی (بررسی نقش ساختار قدرت، نخبگان سیاسی، و مطالبات مردمی) پرداخته خواهد شد و در انتها یافته‌ها و چشم‌انداز آینده سیاست خارجی عراق تبیین خواهد شد.

۱. پیشینه پژوهش

عراق پس از اشغال توسط آمریکا و تبدیل شدن به منطقه‌ای بحرانی در دل خاورمیانه، مورد توجه تحلیل‌گران مختلف قرار گرفت. مقالات و کتاب‌های متعددی در حوزه‌های مختلف به نگارش در آمده است اما درباره سیاست خارجی عراق تعداد پژوهش‌ها محدود می‌شود. این پژوهش‌ها عموماً یا فاقد مبانی نظری جامع، و یا ناظر به روابط عراق با ایران است؛ برای مثال یاسر قائمی در مقاله‌ای با عنوان «سیاست خارجی عراق و روابط با ایران در پرتو تغییر حاکمان سیاسی عراق (بعد از سقوط صدام، ۲۰۰۳ - ۲۰۲۲)» صرفاً به بررسی رویکردهای سیاست خارجی عراق نوین به ویژه پس از انتخابات پارلمانی ۲۰۲۱ در برابر جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. همچنین غلامرضا خسروی در مقاله‌ای با «عنوان مؤلفه‌های داخلی پایدار و مؤثر بر سیاست خارجی عراق جدید» به تبیین عناصر و متغیرهای داخلی تأثیرگذار بر سیاست و رفتار خارجی عراق پرداخت. مریم کاویانی نژاد هم در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه مفهوم فضای حیاتی در شکل‌گیری سیاست خارجی عراق» به چالش ژئوپلیتیکی و عدم دسترسی عراق به آب‌های آزاد و سیاست تهاجمی این کشور در برابر همسایگان پرداخته است و در نهایت در همین چهارچوب حسین الله کرم و تورج افشون در مقاله‌ای با عنوان «سناریوهای سیاست خارجی عراق در برابر جمهوری اسلامی ایران» رویکردهای سیاست خارجی عراق نوین در برابر جمهوری اسلامی ایران را با شیوه سناریونویسی مورد بررسی قرار دادند.

در مورد پیشینه تحقیق تحلیل گفتمان و بررسی عوامل مؤثر در تحول سیاست خارجی عراق در چهارچوب واقع‌گرایی نوکلاسیک به شکل جامع تاکنون پژوهش علمی صورت نگرفته است. این امر نشان دهنده این است که این موضوع به عنوان یک پدیده چندوجهی و پرتحول، مورد توجه محققان بوده است اما فرصت تحلیل علمی آن ممکن نبوده است.

۲. چارچوب نظری

نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک^۱ ترکیبی از واقع‌گرایی کلاسیک و نواقع‌گرایی است (مشیرزاده، ۱۳۸۶، ۱۲۹). این نظریه در واکنش به تقلیل‌گرایی بیش از اندازه نواقع‌گرایی ارائه شد؛ چراکه نواقع‌گرایی تنها به تبیین نتایج بین‌المللی ناشی از کنش و واکنش کشورها می‌پردازد. در این نظریه کشورها به مثابه جعبه‌های سیاهی هستند که عوامل داخلی اعم از فردی و اجتماعی نقشی در سیاست خارجی آن‌ها ایفا نمی‌کند (Waltz, 1979: 192). از این رو واقع‌گرایی نوکلاسیک مفروضه‌های نو واقع‌گرایی را رد نمی‌کند بلکه درصدد اصلاح آن‌هاست تا رفتار و سیاست خارجی کشورهای منفرد و مشخص را تبیین کند.

۱. Neoclassical realism

واقع‌گرایی نوکلاسیک عناصر و مفروضه‌هایی از واقع‌گرایی کلاسیک (مورگنتا^۱) و نوواقع‌گرایی (والترز^۲) را در هم می‌آمیزد به گونه‌ای که هر دو دسته از متغیرهای سیستمیک و سطح واحد را ترکیب می‌کند تا سیاست خارجی کشورهای مشخص و معین را تحلیل کند. از یک سو همچون نوواقع‌گرایی، تأثیر و اهمیت آنارشی بر رفتار کشورها را می‌پذیرد و با این مفروض آغاز می‌کند که نظام بین‌الملل آنارشیکی گزینه‌ها و انتخاب‌های سیاست خارجی آن‌ها را محدود و مقید می‌سازد. از سوی دیگر، مانند واقع‌گرایی کلاسیک، تأثیر ویژگی‌های کشورها و متغیرهای سطح واحد، البته فراتر از ذات ناقص و معیوب انسان بر رفتار آن‌ها را مورد توجه و تحلیل قرار می‌دهد. پس تأثیر مقدرات و امکانات قدرت بر سیاست خارجی پیچیده و غیرمستقیم است؛ زیرا فشارها و محدودیت‌های سیستمیک از طریق متغیرهای سطح واحد میانجی مانند ادراکات و برداشت‌های تصمیم‌گیرندگان و ساختار دولت بر سیاست خارجی تأثیر می‌گذارد. از این رو، فهم رابطه توزیع قدرت نسبی و سیاست خارجی مستلزم بررسی هر دو بافت و بستر داخلی و بین‌المللی است که سیاست خارجی در چارچوب آن تدوین و اجرا می‌شود. بنابراین باید بررسی کرد چگونه توزیع قدرت در نظام بین‌الملل به همراه انگیزه‌ها و برداشت‌های داخلی کشورها از این نظام به سیاست خارجی آن‌ها شکل می‌دهد (Gideon Rose, 1998: 144-145) به بیان بهتر واقع‌گرایی نوکلاسیک علاوه بر توجه به تأثیرگذاری ساختار نظام بین‌الملل بر سیاست خارجی کشورها، عوامل داخلی و سطح خرد را نیز مؤثر بر تعیین آن می‌دانند. (Griffiths, Martin, 2012: 55)

واقع‌گرایی نوکلاسیک به بررسی نقش کانونی و محوری دولت می‌پردازد و تلاش می‌کند تا توضیح دهد چگونه و تحت چه شرایطی خصوصیات داخلی کشورها بر آوردهای تصمیم‌گیرندگان آن‌ها را شکل می‌دهند. پس هدف اصلاح نظریه نوواقع‌گرایی از طریق افزودن متغیرهای میانجی داخلی بین انگیزه‌ها و محرک‌های سیستمیک و تصمیم‌های دولتمردان در سیاست خارجی است. (Taliaferro, 2009: 1-2)

در حالی که واقع‌گرایی نوکلاسیک بر مفروضه‌های نوواقع‌گرایی در مورد آنارشی استوار است اما صراحتاً این استدلال و ادعا را رد می‌کند که بجز متغیرهای سیستمیک نباید برای تحلیل سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی متغیرهای سطوح دیگر را به کار بست؛ چون به نظر واقع‌گرایان نوکلاسیک، تحلیل سیاست خارجی باید در برگرفته عوامل سیستمیک، داخلی و فردی باشد و تأثیر هر یک از این عوامل بر ابعاد مختلف سیاست خارجی را تبیین کند (Taliaferro, 2000: 1) به عبارت دیگر بر اساس نظر گیدئون رز^۳، نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک به طور آشکار هر دو دسته از متغیرهای داخلی و خارجی را در تحلیل سیاست خارجی یک کشور لحاظ می‌کند. طرفداران این نظریه معتقدند که دامنه و جهت‌گیری سیاست خارجی یک کشور تا

1 Hans Morgenthau

2 Waltz

3. Rose

حد زیادی تحت تأثیر جایگاه آن در نظام بین‌الملل و به طور خاص، قدرت مادی نسبی آن کشور است. واقع‌گرایی نو کلاسیک معتقد است که عوامل خارجی به ویژه جایگاه کشور در نظام بین‌الملل و قدرت مادی آن، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری سیاست خارجی دارند. با این حال، این نظریه عوامل داخلی مانند ساختار سیاسی، ایدئولوژی حاکم و منافع گروه‌های مختلف را نیز نادیده نمی‌گیرد. (Gideon Rose, 1998: 146)

در پایان باید گفت که واقع‌گرایی نوکلاسیک به عنوان یک نظریه سیاست خارجی تأثیرگذاری قدرت نسبی دولت در نظام بین‌الملل (متغییر مستقل) از طریق ساختار دولت و تصمیم‌گیرندگان از قدرت نسبی کشور (متغییر میانجی) بر سیاست خارجی و رفتار و راهبرد کشورها در نظام بین‌الملل (متغییر وابسته) را تحلیل می‌کند. در تحلیل سیاست خارجی ویژگی‌ها و خصوصیات داخلی کشورها مانند توانایی سیاست‌گذاران در استخراج منابع برای تعقیب و تأمین اهداف سیاست خارجی بایستی مورد بررسی قرار گیرد. (Elman, 2007: 16)

۳. تأثیر ساختار نظام بین‌الملل (سیستم) بر سیاست خارجی عراق

بر اساس نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک ساختار نظام بین‌الملل می‌تواند بر سیاست خارجی کشورها اثرگذار باشد. قدرت‌های بزرگ بین‌المللی و منطقه‌ای تاکنون به شکل مستقیم و غیر مستقیم بر سیاست خارجی عراق تأثیرگذار بوده‌اند (نعاس، ۲۰۱۰: ۱). در میان عوامل ساختاری نظام بین‌الملل، سیاست‌های ایالات متحده آمریکا به عنوان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی عراق شناخته می‌شود. آمریکا از طریق مکانیزم‌های مختلفی همچون تحریم، نفوذ سیاسی و امنیتی، سیاست خارجی بغداد را به سمت همسویی با خواسته‌های خود سوق داده است. دلایل متعددی برای این نفوذ فراگیر وجود دارد. عراق به عنوان کانونی‌ترین نقطه مداخله‌گری و نفوذ آمریکا در غرب آسیا، نقشی راهبردی در منافع ایالات متحده ایفا می‌کند. از دلایل اهمیت عراق برای آمریکا می‌توان به این موارد اشاره کرد: منابع نفت و گاز؛ حفظ امنیت عرضه انرژی برای آمریکا. پایگاه نظامی؛ تداوم حضور نظامی در منطقه. امنیت اسرائیل؛ ایجاد سپر حفاظتی در برابر تهدیدها. کاهش نفوذ ایران؛ مهار رقیب منطقه‌ای. روی کار آوردن متحدان؛ گسترش نفوذ سیاسی. تسلط بر منطقه؛ تحقق اهداف راهبردی کلان. این موارد منجر به دخالت‌های مستقیم این کشور در طول سده اخیر در صحنه سیاسی عراق شده است. نمونه‌هایی از این دخالت‌ها عبارت است از: کودتای ۱۹۶۳ علیه عبدالکریم قاسم، حمایت از عراق در جنگ تحمیلی، تحریم عراق به بهانه هسته‌ای، جنگ اول خلیج فارس، اشغال نظامی عراق در ۲۰۰۳، توافقنامه امنیتی و چارچوب راهبردی ۲۰۰۸، حضور تحت عنوان مبارزه با داعش ۲۰۱۴، توافقنامه امنیتی ۲۰۲۰-۲۰۲۱ علاوه بر دخالت‌های مستقیم آمریکا از طریق نفوذ در ساختار سیاسی عراق نیز بر سیاست خارجی این کشور اثر می‌گذارد. گماردن مشاوران، تحمیل شخصیت‌های وابسته به غرب در

مناصب کلیدی و نفوذ در نهادهای امنیتی و مالی، نمونه‌هایی از این نفوذ است. نقش ایالات متحده در سیاست خارجی عراق، حضوری فراگیر و انکارناپذیر است. درک این نفوذ، کلیدی برای فهم پیچیدگی‌های روابط بین‌الملل در منطقه غرب آسیا به شمار می‌رود (الدباغ، ۲۰۰۸: ۱۷۱).

علاوه بر ایالات متحده، جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان یک قدرت منطقه‌ای، نقشی قابل توجه در سیاست خارجی عراق ایفا می‌کند. اشتراکات تاریخی، مذهبی، قومی، زبانی و فرهنگی به همراه مرز مشترک ۱۴۵۰ کیلومتری و وابستگی ۵۰ درصدی عراق به برق و گاز ایران، این دو کشور را به هم پیوند داده است. در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی ایران در راستای تقابل با آمریکا و حفظ منافع خود از گروه‌های مقاومت در عراق حمایت می‌کند تا رهبرانی همسو با خود را تحت عنوان گفتمان «اسلام‌گرایی» به قدرت برساند (Katzman, 2010: 2). برخی از رهبران جدید عراق که پس از ۲۰۰۳ به قدرت رسیده‌اند، سابقه زندگی در ایران در زمان حکومت صدام را دارند و به همین دلیل، گرایش‌های سیاسی آنها به جمهوری اسلامی نزدیک تلقی می‌شود. در راستای این استراتژی، جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کند تا در سیاست خارجی عراق، «گفتمان مقاومت» را در برابر «گفتمان سکولار» تقویت کند. روی کار آوردن نخست وزیران اسلام‌گرا در سالیان گذشته، گواه این تلاش است.

در کنار دو بازیگر اصلی، ذینفع و رقیب سیاست خارجی عراق در بخش سیستم می‌توان به دیگر کشورهای تأثیرگذار در سیاست بین‌الملل همچون اتحادیه اروپا، روسیه، چین، ژاپن، عربستان، ترکیه و غیره با تلاش برای جلب نظر برخی از احزاب عراقی از یک سو و دستیابی به منافع و سرمایه‌گذاری در عراق، اشاره کرد (نعاس شنافه، ۲۰۱۲: ۱۱۹-۱۲۰). کشورهایی مانند چین با سرمایه‌گذاری ۵۰ میلیارد دلاری در سال به عنوان بزرگترین شریک تجاری عراق در کنار روسیه و ترکیه با نفوذ در اقتصاد این کشور و وابسته کردن بخشی از اقتصاد بغداد به خود، اهرم فشاری در اختیار می‌گیرند که از آن در جهت اهداف سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی خود استفاده می‌کنند. اجرای این موارد به توسعه اقتصادی عراق و افزایش نفوذ اقتصادی بازیگران دخیل منجر خواهد شد. به همین دلیل، می‌توان با قاطعیت ادعا کرد که افزایش نفوذ اقتصادی به افزایش نفوذ سیاسی و امنیتی قدرت‌های بازیگر در عراق منجر شد (شفق نیوز، ۲۰۲۳).

نقش پررنگ بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در سیاست خارجی عراق انکارناپذیر است به طوری که می‌توان ادعا کرد پس از سال ۲۰۰۳، ایالات متحده در ابعاد مختلفی نظیر سیاست، اقتصاد، فرهنگ، نظام امنیتی، فروش نفت و حامل‌های انرژی و درآمد حاصل از آن، تسلط کاملی بر عراق داشته است؛ به عبارت دیگر، عراق در سیاست خارجی خود از استقلال واقعی بی‌بهره بوده است. آنتونی کوردسمن^۲، تحلیلگر آمریکایی معتقد است که سیاست ایالات متحده باید بر

1. Shafaq news
2. Cordesman

این درک مبتنی باشد که هیچ چیز به اندازه محدود کردن مداخلات اقتصادی و امنیتی ایران در عراق و همچنین محدود کردن نفوذ دیگر کشورهای خارجی در این کشور، حائز اهمیت نیست (Cordesman, 2019: 2).

جدول ۱: تأثیر ساختار نظام بین‌الملل (سیستم) بر سیاست خارجی عراق (نویسندگان)

عامل	توضیحات	نمونه
قدرت‌های بزرگ	ایالات متحده آمریکا	دخالت مستقیم در طول سده اخیر - کودتا علیه عبدالکریم قاسم (۱۹۶۳) - حمایت از عراق در جنگ ۸ ساله - تحریم عراق به بهانه هسته‌ای (۱۹۹۰) - اشغال نظامی عراق در ۲۰۰۳ - توافقنامه امنیتی و چارچوب راهبردی (۲۰۰۸) - مبارزه با تروریسم (۲۰۱۴) - توافق نامه امنیتی ۲۰۲۰-۲۰۲۱ - نقش اثرگذار در انتخاب روسای نهادهای حاکمیتی، نظامی و امنیتی عراق - گماردن مشاوران و تحمیل شخصیت‌های سکولار و وابسته به غرب ^۱
نهادهای بین‌المللی	سازمان ملل متحد	- اشتراکات تاریخی، مذهبی، قومی، زبانی، فرهنگی و مرز مشترک ۱۴۵۰ کیلومتری - وابستگی ۵۰ درصدی عراق به برق و گاز ایران - نفوذ معنوی و مذهبی در عراق - حمایت از گروه‌های شیعه عراقی - رقابت با آمریکا برای نفوذ در عراق
	اتحادیه اروپا	- قطعنامه ۵۹۸ برای پایان جنگ ایران و عراق - نظارت بر انتخابات عراق - کمک به بازسازی عراق - کمک‌های اقتصادی و بشردوستانه به عراق - حمایت از دموکراسی و حقوق بشر در عراق - تشویق به مذاکره با ایران

۴. تأثیر سطح واحد (داخلی) بر سیاست خارجی عراق

تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی در عراق قبل از سال ۲۰۰۳ عمدتاً توسط رهبری حزب بعث اتخاذ می‌شد اما در عراق پس از صدام به واسطه نظام سیاسی جدید، ساختار پارلمانی و فدرالی و بافت سیاسی و اجتماعی این کشور، نقش نهادها در تصمیم‌گیری سیاست خارجی بسیار حائز اهمیت شده است. بر اساس قانون اساسی عراق، اقدامات و تعاملات نهادهای نخست‌وزیری، وزارت خارجه، دستگاه امنیت ملی، کمیته روابط خارجی پارلمان و... در این زمینه مهم ارزیابی می‌شود که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم. لازم به ذکر است که نزاع‌های سیاسی و اجتماعی، هویت ملی ضعیف و همبستگی قومی-مذهبی هنوز بر تصمیم‌گیری نمایندگان عراق در سیاست خارجی این کشور اثرگذار است.

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص تأثیر گسترده آمریکا بر سیاست خارجی عراق رجوع کنید به کتاب بسیار غنی عراق در جستجوی آینده نوشته حسن لطیف زبیدی انتشارات اندیشه سازان نور.

۴-۱. قانون اساسی عراق و سیاست خارجی

رقابت نخبگان در درون دولت‌ها به‌ویژه در نظام‌های پارلمانی، پدیده‌ای رایج است. این رقابت در عراق از اهمیتی مضاعف برخوردار است؛ زیرا نظام نوپای این کشور هنوز در حال گذار و تکامل است. هنجارهای حاکم بر این نظام بر عدم وجود توافق قانونی یا سیاسی در تفسیر قانون اساسی و تفکیک قوا تأکید دارد. قانون اساسی جدید عراق در سال ۲۰۰۵ به تصویب فراندوم مردمی رسید. بخش‌هایی از این قانون صراحتاً به مجلس و دولت فدرال، اقتدار منحصر به فرد در زمینه سیاست‌گذاری، اعم از سیاست خارجی، نمایندگی دیپلماتیک و انعقاد معاهدات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی اعطا کرده است (ر.ک. به: احمدی و قزوینی حائری، ۱۳۸۲). با وجود تمام اختلافات و چالش‌هایی که قانون اساسی عراق در میان جامعه این کشور با آن مواجه است، این قانون به عنوان سند بالادستی، چارچوبی برای چینش نهادها و سازمان‌ها به شمار می‌آید.

۴-۲. نهاد نخست‌وزیری و سیاست خارجی

شورای وزیران در عراق نقشی محوری در تدوین، تصویب، نظارت و اجرای تصمیمات سیاست خارجی ایفا می‌کند. قانون اساسی عراق اختیارات زیادی به نهاد نخست‌وزیری دولت فدرال عراق داده است. با وجود این، هنوز در مورد چگونگی اجرای قانون و هنجارهای عمل اجرایی سیاست خارجی در زمینه‌هایی مانند روابط خارجی، مناقشات و وجود دارد. سیاست خارجی که نخست‌وزیر موظف به پیگیری آن است با سیاست خارجی مطلوب حزب وی می‌تواند متفاوت باشد. عدم دخالت در امور کشورهای دیگر، اصولی کلیدی در سیاست خارجی عراق به شمار می‌رود. بر این اساس، نخست‌وزیر و کابینه وی باید سیاست‌های تدوین‌شده در قانون اساسی برای سیاست خارجی را دنبال و اجرا کنند. برقراری روابط حسنه با همه کشورها از جمله قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانده‌ای به منظور حفاظت از حاکمیت و منافع ملی عراق ضروری است. از این رو، قوه مجریه عراق موظف است به این اصل پایبند باشد که در امور داخلی دیگر کشورها دخالت نکند و اجازه دخالت آنها در امور داخلی عراق را نیز ندهد (John Caninmont, 2013: 73).

اگرچه تقسیمات داخلی دولت عراق در پی هماهنگی سیاست‌گذاری خارجی در این کشور است، وابستگی‌های گوناگونی در میان طیف‌ها و بلوک‌های قومی-مذهبی عراق وجود دارد که بر سیاست خارجی آن اثرگذار است. افرادی که صلاحیت اظهار نظر در زمینه امور سیاست خارجی را ندارند به منظور ارتقای جاه‌طلبی‌ها و منافع شخصی خود در این امور دخالت می‌کنند و دفتر نخست‌وزیری عراق تا حدی این امکان را برای آنها فراهم می‌کند. جایگاه نخست‌وزیری در عراق باید بر عدم دخالت در امور داخلی همسایگان، برقراری روابط عادی و صلح‌آمیز با تمام کشورهای منطقه و همچنین توسعه روابط تجاری و فرهنگی با جامعه جهانی تأکید داشته باشد. عملکرد نخست‌وزیران پیشین عراق به‌گونه‌ای بود که کمتر به منافع ملی این کشور توجه

می‌شد. روابط عراق با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به گونه‌ای بود که تفسیر روندهای سیاست خارجی عراق غالباً بر مبنای دیدار با افراد و شخصیت‌های قدرتمند خارجی و دیپلماسی پنهان در مسائل امنیتی صورت می‌گرفت؛ چرا که ضعف امنیتی عراق در سال‌های گذشته با ترورهای گسترده، بمب‌گذاری‌های متناوب و از دست دادن بیش از یک سوم خاک این کشور در جنگ با داعش در سال ۲۰۱۴، ضرورت تعامل با شخصیت‌های برجسته امنیتی ایران، ترکیه و آمریکا را ایجاب می‌کرد. این روند همچنان ادامه دارد، اما در دولت محمد شیاع السودانی به دلیل رفع نسبی بحران امنیتی در پی تقویت نهادهای نظامی و امنیتی، شاهد نوعی استقلال، توازن و به همراه آن ورود قدرت‌های جدید به بغداد هستیم که هویت عراق جدید را نشان می‌دهد.

۴-۳. وزارت خارجه

وزارت امور خارجه وظایف متعددی از جمله اجرای سیاست خارجی برقراری روابط دیپلماتیک با دیگر کشورها و نمایندگی بغداد در سطح بین‌الملل را بر عهده دارد. این وزارتخانه سه اولویت سیاست خارجی را که از سال ۲۰۰۳ به عنوان طرح‌های موفق شناخته شده‌اند در دستور کار خود قرار داده است.

هوشیار زیباری، اولین وزیر خارجه عراق در مورد اولویت‌های سیاست خارجی این کشور می‌گوید:

۱. بازگرداندن حاکمیت، تبدیل شدن به یک کشور عادی و رسیدن به توافقی دوستانه با آمریکایی‌ها برای خروج نیروهای نظامی از مسائل کلیدی برای عراق پس از سال ۲۰۰۳ بود. توافق‌نامه امنیتی و چارچوب راهبردی ۲۰۰۸ و توافق‌نامه امنیتی ۲۰۲۰-۲۰۲۱ در همین راستا تعریف می‌شود.

۲. دومین اولویت دستگاه سیاست خارجی عراق، احیای روابط با همه اعضای جامعه بین‌المللی بود. عراق که با دو همسایه خود جنگیده و برای جهان به مثابه تهدید بود در تلاش است تا روابط خود را با تمام کشورهای جهان به صورت دوجانبه توسعه دهد. این روند هنوز هم ادامه دارد و در حال حاضر بیشتر کشورهای جهان در عراق مأموریت‌های دیپلماتیک دارند.

۳. سومین اولویت مرتبط با وزارت خارجه عراق، خروج از وضعیت فصل هفتم منشور ملل متحد است. شورای امنیت سازمان ملل متحد در تابستان ۲۰۱۳ مجدداً این موضوع را بررسی کرد و به طور مؤثر بر حاکمیت عراق در سیاست خارجی تأکید کرد. فصل هفتم منشور ملل متحد به شورای امنیت سازمان ملل متحد اختیار می‌دهد تا برای مقابله با تهدید صلح و امنیت بین‌المللی، اقدامات اقتصادی، نظامی و دیگر اقدامات را انجام دهد. تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه عراق نیز تحت همین فصل اعمال شده بود. اگرچه خروج از وضعیت فصل هفتم برای همه بازیگران سیاسی عراق واضح بود، مسئولیت اصلی اقدامات در این زمینه بر عهده دستگاه سیاست خارجی

بود (قائمی، قیاسی، ۱۴۰۲: ۳۰۲).

وزارت خارجه این کشور به دلایل مسائل قومی و فرقه‌ای در عراق، مهمترین بازیگر سیاست خارجی نیست^۱ به طوری که بسیاری از دیدارهای دیپلماتیک برای حل مسائل راهبردی بغداد با دیگر کشورها توسط فرستادگان شخصی نخست وزیر عراق صورت می‌پذیرد.

۴-۴. شورای امنیت ملی

شورای امنیت ملی عراق وظیفه خطیر مشاوره به دولت در امور امنیتی و تدوین استراتژی‌ها و سیاست‌هایی را بر عهده دارد که به منافع این کشور در خارج از مرزها مربوط می‌شود. نمایندگان از وزارتخانه‌ها و نهادهای امنیتی مختلف در این شورا حضور دارند. در حال حاضر، مشاور امنیت ملی و تیم وی مشغول توسعه استراتژی امنیت ملی عراق هستند. فهرستی جامع از نگرانی‌های امنیتی داخلی و بین‌المللی از جمله امنیت غذایی، مرزی دریایی، هیدروکربن و... وجود دارد که بر سیاست خارجی عراق اثرگذار است (قانون الأمن الوطني، ۲۰۱۰: ۴)؛ به بیان دیگر، وضعیت امنیت ملی داخلی عراق بر سیاست خارجی آن تأثیر می‌گذارد. از این رو، نخست‌وزیر و مشاور امنیت ملی برای مقابله با مشکلات امنیتی داخلی، اقداماتی در حوزه سیاست خارجی اتخاذ می‌کنند که گاه با اقدامات وزارت خارجه مغایرت دارد. استراتژی امنیت ملی عراق بر پایه عادی‌سازی روابط، توازن در سیاست خارجی و افزایش امنیت داخلی تدوین شده است. این مهم در گذشته با چالش‌هایی نظیر تفسیر قانون اساسی و تقسیمات قومی و فرقه‌ای روبه‌رو بود اما در حال حاضر، دستگاه امنیت ملی عراق بر اساس اصول قانون اساسی و با هدف کاهش چالش‌های نژادی، مذهبی، فرقه‌ای، امنیتی و سیاسی به دنبال انعقاد توافق‌ها امنیتی با کشورهای مانند آمریکا^۲، ایران، ترکیه، قطر و... است. هدف از این توافق‌ها، افزایش امنیت داخلی، تقویت موقعیت امنیتی و دفاعی بغداد در داخل و خارج کشور و حرکت به سمت استقلال در تصمیم‌گیری‌های کلان و استراتژی‌های امنیت ملی است (الله کرم و افشون، ۱۳۹۹: ۱۳۸).

پارلمان عراق یکی دیگر از بازیگران سطح خرد در عرصه سیاست خارجی این کشور است که در سیاست‌گذاری خارجی نقش‌آفرینی می‌کند. کمیته روابط خارجی پارلمان به عنوان عامل اجرایی، وظایف این نهاد را در این زمینه بر عهده دارد. نظارت و تصویب توافقنامه‌ها، قراردادهای تعیینات دیپلماتیک بین‌المللی از جمله وظایف این کمیته است که در شکل‌دهی به سیاست خارجی عراق نقشی مؤثر ایفا می‌کند. برگزاری سمینارهای متعدد در این زمینه، گامی در راستای ایفای نقش فعال‌تر این کمیته در سیاست خارجی عراق بوده است (کمیته روابط خارجی^۳، ۲۰۰۵). بر اساس عرف سیاسی عراق، ریاست پارلمان به اهل سنت تعلق دارد. به این ترتیب، رئیس

۱. بر اساس عرف رایج یک شخصیت کرد از حزب دموکرات کردستان مسئولیت وزارت خارجه عراق را بر عهده دارد.

۲. توافق نامه راهبردی ۲۰۰۸ عراق و آمریکا مبنای توافقات دو کشور در ۱۶ سال اخیر بوده است.

۳. لجنة العلاقات الخارجية

پارلمان و در رده بعدی، کمیته روابط خارجی پارلمان به عنوان بازوی اجرایی آن در سیاست خارجی عراق اثرگذار هستند. در سال‌های اخیر به دلیل وجود شکاف در بیت شیعی با وجود بیشترین کرسی‌های پارلمان، نقش بیت سنی در برقراری روابط با کشورهای عربی و ترکیه اخوانی پررنگ‌تر شده و شاهد افزایش نفوذ و قدرت بازیگری اهل سنت عراق در این عرصه بوده‌ایم (امواج مدیا^۱، ۱۴۰۰).

۴-۵. دادگاه عالی فدرال

دادگاه عالی فدرال عراق در تفسیر قوانین و تضمین انطباق تصمیمات سیاست خارجی با قوانین کشور نقشی اساسی ایفا می‌کند (حیب زاده، ۱۳۹۲: ۹۵-۱۰۰). این دادگاه با ارائه راهنمایی‌های حقوقی و حل هرگونه اختلاف مربوط به مسائل سیاست خارجی به انسجام و نظم در این حوزه کمک می‌کند. دادگاه عالی فدرال موظف است قوانین مرتبط با سیاست خارجی را تفسیر کند تا ابهام و تناقض‌های احتمالی رفع شود و زمینه را برای اجرای صحیح آنها فراهم سازد همچنین این دادگاه با بررسی دقیق تصمیمات سیاست خارجی، انطباق آنها با قوانین و مصوبات کشور را تضمین می‌کند. دادگاه عالی فدرال در صورت نیاز به وزارت امور خارجه و دیگر نهادهای ذیربط در زمینه مسائل حقوقی مربوط به سیاست خارجی، راهنمایی و مشاوره ارائه می‌دهد. در صورت بروز اختلاف بین نهادهای مختلف درباره مسائل سیاست خارجی، دادگاه عالی فدرال به عنوان مرجعی نهایی به حل و فصل این اختلافات می‌پردازد (شورای عالی قضایی^۲، ۲۰۱۷).

۴-۶. رهبران اقلیم کردستان

در کنار بغداد، پایتخت عراق، کردستان عراق به عنوان دومین مرکز سیاست خارجی در این کشور در دوره جدید ظهور کرده است. سیاست خارجی مستقل اقلیم کردستان به توسعه و برقراری ارتباطات گسترده خارجی با دیگر کشورها و سازمان‌ها منجر شده است. این امر، گاه با اهداف و آرمان‌های دولت فدرال در بغداد در تضاد بوده است. این واقعیت باعث شد که عراق سیاست خارجی واحدی نداشته باشد و نخبگان حاکم در بغداد و اربیل سیاست‌های خارجی متعددی اتخاذ کنند (میدل ایست مانیتور^۳، ۲۰۲۱). دولت فدرال عراق در تلاش است تا به طور مستقل رهبری سیاست خارجی کشور را به دست گیرد. با این حال، کردها معتقدند که اربیل، پایتخت اقلیم کردستان از توانایی لازم برای اداره امور در این زمینه برخوردار است و بغداد هیچ برتری ذاتی نسبت به اقلیم کردستان در این زمینه ندارد. بررسی اقدامات دادگاه عالی دولت فدرال در تقابل با اقلیم نشان دهنده تقویت دولت مرکزی و تضعیف اقلیم کردستان به رهبری خاندان بارزانی

1. amwaj.media

۲. مجلس القضاء الأعلى

3 middleeastmonitor

است. مسعود بارزانی که سودای استقلال اقلیم را در سر می‌پروراند بعد از همه‌پرسی استقلال اقلیم در ۲۰۱۷ و تشکیل ائتلاف انقاذ الوطن با جریان صدر و حلبوسی در ۲۰۲۱ با اقدامات دادگاه عالی فدرال، احزاب چارچوب هماهنگی شیعی، دولت مرکزی و پارلمان عراق به شرح جدول شماره (۱) مواجه شد که به تضعیف اقلیم کردستان منجر شد.

جدول ۲: تقابل اقلیم کردستان با دیگر مراکز قدرت (مرکز مطالعات عراق)^۱

ردیف	تاریخ	احکام دادگاه فدرال
۱	۲۰ نوامبر ۲۰۱۷	غیر قانونی اعلان کردن همه‌پرسی اقلیم کردستان
۲	۶ فوریه ۲۰۲۲	توقف کلیه اقدامات مربوط به نامزدی «هوشیار زیباری» برای ریاست‌جمهوری
۴	۱۵ فوریه ۲۰۲۲	مغایرت قانون نفت و گاز اقلیم کردستان مصوب سال ۲۰۰۷ با قانون اساسی جاری عراق
۵	۲ اکتبر ۲۰۲۲	دادگاه عالی فدرال فعالیت کمیسیون عالی انتخابات و همه‌پرسی اقلیم کردستان را غیر قانونی اعلام کرد
۶	۲۵ ژانویه ۲۰۲۳	دادگاه عالی فدرال در حکمی پرداخت استحقاقات مالی به اقلیم کردستان از سوی بغداد را خلاف قانون اساسی اعلام کرد
۷	۳۰ مه ۲۰۲۳	دادگاه عالی فدرال عراق در حکمی تمدید دوره پنجم پارلمان اقلیم را غیر قانونی اعلام کرد
۸	۲ سپتامبر ۲۰۲۳	لغو واگذاری مقر حزب دموکرات کردستان در کرکوک
۹	۲۴ سپتامبر ۲۰۲۳	حکم پایان فعالیت شوراهای استانی اقلیم کردستان
۱۰	۲۱ فوریه ۲۰۲۴	مستولیت پرداخت حقوق کارمندان دولت اقلیم از اربیل به بغداد. ارائه اسناد حسابداری به بغداد واریز کلیه درآمدهای نفتی و غیرنفتی به حساب بغداد حذف ۱۱ کرسی اقلیت ها افزایش حوزه انتخابیه به چهار حوزه جایگزینی کمیسیون عالی مستقل انتخابات عراق با هیئت عالی انتخابات اقلیم ^۲

درآمد اقلیم کردستان از دو بخش بودجه دولت مرکزی و درآمدهای نفتی و گمرکی اقلیم حاصل می‌شود. در سالیان گذشته تقریباً می‌توان ادعا کرد اقتصاد اربیل به فروش نفت وابسته بود و درآمد حاصل از فروش نفت تأثیر مستقیم در اتخاذ سیاست مستقل اقلیم داشته است که کرد بارز آن را در همه‌پرسی استقلال اقلیم کردستان در ۲۰۱۷ شاهد بودیم. غیر قانونی اعلام کردن قانون نفت و گاز اربیل در کنار حکم دادگاه پاریس مبنی بر توقف فروش نفت از طریق خط لوله جیهان به کاهش شدید ارزآوری اقلیم منجر شد که در صورت تداوم شاهد بحران اقتصادی در حوزه نفوذ بارزانی‌ها خواهیم بود. حکم ۲۴ فوریه دادگاه فدرال درباره قانون انتخابات اقلیم هم به معنای نفوذ سیاسی دولت فدرال بر اقلیم است که بر سیاست خارجی عراق در روابط با بازیگران بین‌الملل تأثیر مستقیم خواهد داشت (علیزاده، ۱۴۰۲: ۱۴). سیاست خارجی مستقل اقلیم کردستان به نفوذ اسرائیل در عراق منجر شده بود و این همواره مورد اعتراض ایران و اقدامات نظامی ایران علیه حاکمیت عراق شده بود. این اقدامات در واقع برای انسجام حاکمیت و جلوگیری از مداخلات خارجی بود.

1 <https://t.me/instituteofiraqistudies/140>

۲ جایگزینی هیات عالی انتخابات اقلیم کردستان با کمیسیون عالی مستقل انتخابات عراق به معنای نفوذ دولت فدرال در منطقه اقلیم می‌باشد.

۴-۷. احزاب سیاسی

رهبران احزاب سیاسی عراق نقش مستقیمی در سیاست خارجی بغداد دارند به طوری که به دنبال حمایت بین‌المللی هستند. شخصیت‌های برجسته سیاسی و مذهبی عراق ارتباطات فراملی با قدرت‌های منطقه‌ای دارند. این موضوع از میراث سال‌هایی ناشی است که گروه‌های مخالف عراقی مجبور به تبعید شدند و دفاتر خود را در لندن، واشنگتن، دمشق، تهران، آنکارا و دیگر مکان‌ها به راه انداختند و به دنبال اتحاد با قدرت‌های فراملی بودند. دیدار رهبران احزاب سیاسی با سفرا و نمایندگان خارجی در عراق هم در این راستا تعریف می‌شود (لطیف الزبیدی، ۱۳۹۵: ۲۲۷-۳۶۵).

۴-۸. مرجعیت

نهاد مرجعیت شیعه در عراق از جمله حلقه‌های مهم و اثرگذار بر تمامی تحولات این کشور پس از سقوط صدام حسین بوده است. به همین دلیل، می‌توان آن را به طور غیرمستقیم، یکی از بازیگران کلیدی در عرصه سیاست خارجی عراق قلمداد کرد. مرجعیت در تشکیل و ترویج حشد شعبی به عنوان یک نیروی امنیتی مردمی، نقشی اساسی ایفا کرد. این اقدام در راستای نفی چپ‌نشین نظامی-امنیتی آمریکایی‌ها در عراق پس از صدام صورت گرفت. همچنین مرجعیت با اتکا به نفوذ و جایگاه خود در تلاش بوده تا نخبگان عراقی را به سمت اتخاذ تصمیمات مستقل در عرصه سیاست خارجی هدایت کند (عبدالرزاق، ۲۰۲۰). تغییر و تحولات ساختار حقوقی-سیاسی عراق نوین به بازتعریف نقش مرجعیت دینی در حوزه سیاست این کشور کمک کرد. در این راستا، مرجعیت نیز در پایه ریزی ساختار سیاسی نوین عراق نقشی مهم ایفا کرد (افشون، ۱۳۹۴: ۶۲).

جدول ۳: عوامل سطح واحد مداخله در سیاست خارجی (نویسندگان)

سطح واحد نهاد/بازیگر	وظایف و اختیارات	نقش در سیاست خارجی	چالش‌ها و محدودیت‌ها	نمونه اقدامات
۱. قانون اساسی	- چارچوب کلی برای نظام سیاسی و سیاست خارجی	- تعیین خطوط قرمز و هویت ملی در سیاست خارجی - منای قانونی برای تصمیم‌گیری و تعاملات نهادها	- تفسیرهای مختلف از قانون اساسی - رقابت نخبگان برای تسلط بر تفسیر قانون	- قانون اساسی جدید عراق در ۲۰۰۵ به تصویب رسید.
۲. نهاد نخست‌وزیری	- تدوین، تصویب، نظارت و اجرای تصمیمات سیاست خارجی	- هدایت سیاست خارجی بر اساس منافع ملی - برقراری روابط با دیگر کشورها - حفظ حاکمیت و منافع ملی	- وابستگی‌های قومی-مذهبی - عدم دخالت در امور داخلی همسایگان - ضعف امنیتی	- تعیین سیاست خارجی مطابق با قانون اساسی - برقراری روابط حسنه با همه کشورها - توسعه روابط تجاری و فرهنگی با جامعه جهانی
۳. وزارت خارجه	- اجرای سیاست خارجی - برقراری روابط دیپلماتیک - نمایندگی عراق در سطح بین‌الملل	- پیشبرد اهداف سیاست خارجی - حفظ منافع ملی در عرصه بین‌الملل - ارتقای جایگاه بین‌المللی عراق	- مسائل قومی و فرقه‌ای - ضعف ساختاری و بروکراسی - نفوذ بازیگران داخلی و خارجی	- اولویت‌های سیاست خارجی: ۱. بازگرداندن حاکمیت ۲. احیای روابط با جامعه بین‌الملل ۳. خروج از فصل هفتم منشور ملل متحد

۴. دادگاه عالی فدرال	-مشاوره به دولت در امور امنیتی - تدوین استراتژی‌های امنیتی	-حفظ امنیت ملی و منافع عراق در خارج از مرزها - تعادل در سیاست خارجی	-تفسیر قانون اساسی - تقسیمات قومی-مذهبی - چالش‌های امنیتی داخلی	-تدوین استراتژی امنیت ملی بر پایه عادی‌سازی روابط، توازن در سیاست خارجی و افزایش امنیت داخلی - انعقاد توافق‌ها امنیتی با کشورهای مختلف
۵. پارلمان و کمیته روابط خارجی	-نظارت و تصویب توافقنامه‌ها و قراردادها - تعیینات دیپلماتیک	-مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی - نظارت بر عملکرد دستگاه دیپلماسی	-شکاف در بیت شیعی - تفسیر قانون اساسی - نفوذ بازیگران داخلی و خارجی	-برگزاری سمینارهای متعدد در زمینه سیاست خارجی
۶. شورای قضایی	-تفسیر قوانین - تضمین انطباق تصمیمات سیاست خارجی با قوانین	-انسجام و نظم در حوزه سیاست خارجی - تضمین حقوق و منافع ملی در عرصه بین‌الملل	-وابستگی به قوای دیگر - تفسیرهای مختلف از قانون	-ارائه راهنمایی‌های حقوقی به نهادهای ذریبط - حل اختلافات مربوط به مسائل سیاست خارجی
۷. رهبران اقلیم کردستان	-اتخاذ سیاست خارجی مستقل - برقراری ارتباطات خارجی با دیگر کشورها	-توسعه و تنوع در روابط خارجی عراق - افزایش نفوذ و قدرت بازیگری اقلیم	-تضعیف اقلیم توسط دولت فدرال - چالش‌های اقتصادی	-تلاش برای استقلال اقلیم - انعقاد توافق‌ها با کشورهای مختلف
۸. احزاب سیاسی	-حمایت بین‌المللی - ارتباطات فراملی با قدرت‌های منطقه‌ای	-تنوع و تکثر در تصمیم‌گیری سیاست خارجی - نفوذ در روابط خارجی	-وابستگی به قدرت‌های خارجی - رقابت‌های داخلی	-دیدار با سفرا و نمایندگان خارجی - تلاش برای جلب نظر قدرت‌های منطقه‌ای
۹. مرجعیت	-رهبری دینی و مذهبی - نفوذ در جامعه	-هدایت نخبگان عراقی به سمت اتخاذ تصمیمات مستقل - حفظ هویت مذهبی در سیاست خارجی	-وابستگی به جریانات سیاسی - محدودیت‌های قانونی	-تشکیل حشدالشعبی و مخالفت با مداخلات خارجی

۵. عوامل مؤثر در تحول گفتمانی سیاست خارجی عراق

تغییر نظام سیاسی عراق در سال ۲۰۰۳م، سیاست خارجی این کشور را به طور کامل تغییر داد؛ چرا که قبل از ۲۰۰۳ شخص محور بود و صدام حسین نقش تعیین کننده در سیاست خارجی داشت اما این رویکرد بعد از ۲۰۰۳ توسط تعداد زیادی از بازیگران داخلی و خارجی عراق نهادینه‌سازی شد. با تغییر ساخت قدرت و حکومت عراق، زمینه حضور و نفوذ بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در عراق فراهم شد. در این میان در سطح سیستم رقابت بین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا بر سیاست خارجی عراق تأثیر مستقیم داشته^۱ است و رقابت بین بازیگران صحنه سیاسی عراق به ایجاد منافع متضاد بین گروه‌های سیاسی داخل عراق منجر شد (سطح خرد) که در راستای اهداف بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای فعالیت می‌کردند. این مهم به سیاست خارجی نامتعادل در اوایل تشکیل دولت عراق و تحول آن با توجه به شرایط مختلف تاکنون منجر شد.^۲ در ادامه با توجه به محوریت نخست‌وزیر در ساختار کنونی عراق در تعیین سیاست‌های اجرایی خارجی به تبیین تحول گفتمانی تحت تأثیر عوامل سیستمی و واحدی می‌پردازیم.

۱. ترکیه، عربستان و برخی دیگر از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس هم به عنوان بازیگران خرد در صحنه سیاسی عراق محسوب می‌گردند.
 ۲. ابتدا اداره عراق توسط ارتش آمریکا با فرماندار نظامی به مدت یک ماه بوده است. سپس اداره عراق با حکومت ائتلاف موقت توسط فرماندار غیر نظامی آمریکایی پل بر مر اداره گردید.

۵-۱. نوری المالکی - تثبیت گفتمان وابستگی تحت تأثیر عوامل سیستمی

نوری مالکی به عنوان اولین نخست وزیر بر آمده از انتخابات در عراق جدید، سیاست خارجی محافظه کارانه داشت و در کنار روابط نزدیک با آمریکا و انعقاد توافقنامه امنیتی و راهبردی با آمریکا، ارتباطات گسترده‌ای با جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفت. دولت نوری المالکی در مجموع هشت سال، جهت گیری واضحی در نزدیکی به ایران و همکاری با سیاست‌های منطقه‌ای ایران داشت. این سمت گیری به سود محور و جبهه ایران به ویژه در بحران سوریه و جنگ با داعش دیده می‌شود. رویکرد دولت مالکی نسبت به همکاری عراق با آمریکا نیز مثبت بود و توافقنامه همکاری‌های راهبردی میان عراق و آمریکا توسط او منعقد و امضا شد. فشار بازیگران خارجی از جمله ایران و آمریکا در بخش ساختار و مسائل فرقه‌ای و فشار نخبگان سیاسی شیعی، سنی و کردی و بحران‌های امنیتی عراق در نتیجه اشغال نظامی این کشور از جمله حمله داعش در سطح واحد در تثبیت گفتمان وابستگی در دوره نوری المالکی نقش تعیین کننده‌ای داشته است.

۵-۲. حیدر العبادی - تحول گفتمانی به سوی توازن قدرت تحت تأثیر عوامل داخلی و

سیستمی

اعتراضات مردمی سال ۲۰۱۴ عموماً از سوی نیروهای سکولار و احزاب سنی نسبت به مدیریت جانبدارانه نورالمالکی، سبب تغییر نخست‌وزیر و روی کار آمدن حیدر العبادی شد. رویکردهای العبادی در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ بر مبنای انفتاح سیاسی^۱، دوری از محاور^۲ و سلاح بیدالدوله بیش از هر چیز به گرایش سیاست خارجی دولت او به ایجاد «توازن در میان بازیگران» عمق بخشید. هرچند نتایج برخی رفتارها و رویکردهای حیدر العبادی در عمل به تضعیف نیروهای همسو با جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت انجامید؛ به ویژه سیاست سلاح بیدالدوله که اساس آن بر محدود کردن حشدالشعبی و نیروهای همسو با جمهوری اسلامی ایران در عراق قرار داشت. با اطمینان می‌توان گفت که نخبگان سیاسی عراق در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ اصل «توازن» را در روابط و سیاست خارجی مدنظر قرار دادند (افشون، ۱۳۹۴: ۱۲۳). در دوره حیدر العبادی سیاست خارجی عراق بر مبنای گسترش روابط دیپلماتیک با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس خصوصاً عربستان سعودی و قطر و همچنین ترکیه (عوامل سیستمی) در کنار بازیگران سنتی ایران و آمریکا رشد یافت. مهمترین اتفاق در دوران العبادی در بخش سیاست خارجی نقش بازیگران جدید در صحنه سیاسی عراق بوده است (علی فارس، ۲۰۱۸)؛ به بیان دیگر بعد از شکست تروریسم و ثبات نسبی عراق، شاهد تحولی شگرف در سیاست خارجی بغداد به عنوان یک شریک حیاتی جهانی و یک نیروی تثبیت کننده در خاورمیانه بودیم.

۱. گسترش روابط با کشورهای خلیج فارس

۲. دوری از محاور که بر نوعی موازنه مثبت و بی طرفی در مناسبات با آمریکا و جمهوری اسلامی ایران به علاوه دوری سرزمین عراق از تنش‌های میان دو محور تأکید داشت.

بررسی سیاست خارجی دولت عراق در دوران نخست وزیری حیدر العبادی نشان می‌دهد که حکومت مرکزی عراق توانست با دو ابر چالش در سطح (داخل) برای موجودیت کشور واحد عراق، مقابله موفقیت‌آمیزی داشته باشد. اول مجموعه فعالیت‌های تروریستی جریان‌های غیرقانونی اهل سنت برای پس گرفتن قدرت و دولت مرکزی شیعه و بازگشت به بغداد که اوج آن در قالب داعش ظهور یافت و دوم مجموعه تلاش‌های ۱۵ ساله احزاب کُرد به ویژه حزب دموکرات کردستان عراق در ادامه روند صد ساله استقلال طلبی احزاب کُرد بود که با از دست دادن کرکوک به شکست تاریخی تن دادند. العبادی با سابقه زندگی در غرب، نگاهی غیر ایدئولوژیک به امور سیاسی و حکومتی داشت و نگاه تاریخی و فرهنگی او نیز ضعیف بود. موفقیت دولت حیدر العبادی در تقابل با فشارهای سطح واحد منجر شد مبنای سیاست خارجی خود را در وهله اول بر رویکرد اقتصادی و سپس سیاسی و امنیتی بنا نهد. راهبرد و جهت‌گیری محوری در سیاست خارجی مورد نظر عبادی را می‌توان راهبرد توازن، بی‌طرفی مثبت و عدم ورود به محورها و قطب‌بندی‌ها تعریف کرد. بدیهی است که اشاره اصلی در این جهت‌گیری، معطوف به اعلان قرار نداشتن عراق در جبهه ایران در تقابل با رقبای منطقه‌ای و جهانی است.

۵-۳. مصطفی‌الکاظمی - گسترش گفتمان ناسیونال و سکولار تحت تأثیر عوامل داخلی

اعتراضات گسترده عراق در سال ۲۰۱۹ که با پشتوانه احزاب و گروه‌های مختلف تحت عنوان انقلاب تشرین صورت گرفت، اصلی‌ترین عامل تحول گفتمانی در سیاست خارجی بود. جهت‌گیری کلی تظاهرات اکتبر ۲۰۱۹ نزدیک به جریان‌های سکولار و ملی‌گرا بود. نتیجه این اعتراضات تغییر قانون انتخابات پارلمان و انتخاب مصطفی‌الکاظمی در ۹ آوریل ۲۰۲۰ به عنوان نخست‌وزیر عراق بود. وی که از حمایت آمریکا، اعراب، جریان‌های سکولار، مدنی و ملی‌گرا برخوردار بود مبنای سیاست خارجی عراق را تقویت ناسیونالیسم عربی به ویژه با عربستان سعودی^۱، پروژه شام جدید^۲، کاهش وابستگی به ایران و تضعیف فصائل مقاومت^۳ قرار داد (ازکات، ۱۴۰۰). اساس سیاست خارجی عراق در دوره الکاظمی دور شدن از ایران و بازگشت مجدد به محیط عربی هم‌گام و همسو با سیاست‌های ایالات متحده آمریکا تعریف می‌شود. پیروزی قاطع جریان ملی‌گرای مقتدی صدر با کمک نخست‌وزیر وقت در انتخابات پارلمانی ۲۰۲۱ و همگرایی مقتدی با گفتمان ملی‌گرای مصطفی‌الکاظمی و دفاع از عملکرد دولت وی، اوج گفتمان ناسیونالیستی در عراق جدید ارزیابی می‌شود.

سیاست خارجی الکاظمی با گفتمان ناسیونالیستی، بازتعریف نقش جدیدی از عراق بود که با ترقیب رقبای منطقه‌ای به مشارکت و ایجاد فضای رقابت اقتصادی در بازار عراق به کاستن از

۱. اولین سفر خارجی وی به عربستان سعودی بوده که نشان از عمق توجه به هویت عربی نسبت به ایران بوده است.

۲. توافق نامه امنیتی، اقتصادی، سیاسی و سرمایه‌گذاری و گردشگری سه کشور عراق، مصر و اردن

۳. حمله به مقر کتائب حزب الله، جایگزینی برخی از مسئولان امنیتی عراق و نزدیک به ایران با شخصیت‌های سکولار و نزدیک به غرب.

چالش‌های امنیتی و نظامی پرداخت. برگزاری «کنفرانس منطقه‌ای حمایت از عراق» نیز با هدف تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی انجام گرفت که سران قدرت‌های منطقه‌ای و همسایه عراق در آن حضور داشتند تا با مشارکت و تعامل در جهت تقریب و همگرایی شرکای اقتصادی و سیاسی خود قدم بردارد. وی با بهره بردن از ابتکار نقش میانجی‌گر با تمرکز بر میانجی‌گری بین ایران و عربستان و جلوگیری از تسفیه حساب‌ها و جنگ‌های نیابتی در خاک عراق خواستار تغییر وضع موجود به نفع دولت عراق در منطقه غرب آسیا بود.

۴-۵. محمد شیاع سودانی - توازن قوا و استقلال نسبی تحت تأثیر عوامل سیستمی و داخلی

داخلی

با توجه به رویکردهای آشکار سکولاریستی مصطفی الکاظمی، جریان‌های قدرت اسلام‌گرا در عراق و همچنین نیروهای منطقه‌ای با اعمال نفوذ عامل برکناری او و انتخاب محمدشیاع سودانی به عنوان نماینده چارچوب هماهنگی شیعی که در فضای عراق نزدیک به جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌شود، منجر شد. سودانی مایل به حفظ روابط خوب با ایران و آمریکا به شکل متوازن اما با استقلال بیشتر نسبت به گذشته است. سودانی در مصاحبه با وال استریت ژورنال و دیدار دوجانبه با وزیرای دفاع و خارجه آمریکا از روابط خوب با واشنگتن نیز دفاع کرد، موضعی که با مواضع جمهوری اسلامی ایران به عنوان پشتیبان وی در رسیدن به قدرت در تضاد است. روند استقلال در سیاست خارجی بغداد در دوره سودانی روند رو به رشدی بوده است به طوری که شاهد حفظ ثبات عراق و تمامیت ارضی آن به واسطه توافق نامه امنیتی با همسایگان از جمله تهران و آنکارا برقراری روابط متوازن با کشورهای عربی از طریق احیا (تداوم) روابط دیپلماتیک با عربستان، مصر، اردن، قطر هستیم.

سودانی با اقدامات خود در پی جلوگیری از بهره‌برداری قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از اختلافات داخلی برای دستیابی به منافع خود، تشکیل اداره‌های ذیربط در وزارت امور خارجه و وزارتخانه‌های مرتبط، به‌کارگیری متخصصان بین‌المللی برای ترسیم یک سیاست خارجی موفق، برقراری روابط سیاسی و اقتصادی گسترده‌تر با دیگر قدرت‌های بین‌المللی از جمله روسیه (بریکس)، چین، اتحادیه اروپا، کره و ژاپن در مسیر توازن در سیاست خارجی عراق است. دومین تولیدکننده بزرگ نفت اوپک در چند دهه گذشته با وابستگی بیش از ۹۰ درصدی خود به درآمدهای نفتی (وابستگی کامل به آمریکا) باعث به وجود آمدن دولت‌هایی کاملاً تحصیلدار شده است و این دولت‌ها هیچ اقدامی در راستای تقویت اقتصاد و بخش خصوصی نداشتند؛ از این رو شاهد وابستگی مطلق عراق در بخش اقتصاد به آمریکا هستیم. محمد شیاع سودانی جهت خروج از این بن بست اقتصادی و در تداوم تصمیمات گذشته اقدام به اجرا و تکمیل ابر پروژه‌های اقتصادی فوالکبیر و مسیر خشک (کانال توسعه) گرفت که در صورت تکمیل می‌تواند عراق را

به دولتی مستقل و مدرن تبدیل کند؛ به بیان بهتر سمت و سوی سیاست خارجی عراق ۲۰۲۳ در دوره شیاع سودانی در راستای سیاستی متوازن‌تر قرار گرفته است که از جهت‌گیری‌های تازه‌ی دولت عراق در محیط راهبردی منطقه‌ای ناشی می‌شود. مواضع بی‌طرفانه‌ای که سیاست خارجی عراق در پیش گرفته است برداشت مثبتی از بقای عراق در خارج از حلقه بحران‌ها و درگیری‌های منطقه‌ای پی در پی ایجاد می‌کند. فواد حسین در هفتمین کنفرانس سفرای بغداد بیان داشت اولویت سیاست خارجی و منافع عراق بر پایه همکاری برای غلبه بر بحران‌ها، گفت‌وگوی سازنده و اولویت منافع مشترک و میانجی‌گری عراق در حل بحران‌ها و دور نگه داشتن بغداد از جنگ و تروریسم است (فواد حسین، ۱۴۰۲). از سوی دیگر با وجود ضرورت حضور فعال عراق در تعاملات منطقه‌ای، حفظ استقلال در سیاست خارجی برای این کشور از اهمیت زیادی برخوردار است. اتخاذ رویکردی متعادل و حفظ روابط حسنه با تمامی قدرت‌های منطقه‌ای اعم از ایران، ترکیه، عربستان و دیگر همسایگان، گامی در جهت ایفای نقشی سازنده در تحولات منطقه‌ای توسط عراق است. این رویکرد، استقلال عمل عراق در سیاست خارجی را به نمایش می‌گذارد و زمینه‌ی لازم برای ایفای نقش آفرینی عراق به عنوان یک عامل ثبات و تعادل در منطقه را فراهم می‌کند. اتخاذ سیاست بی‌طرفی و برقراری ارتباطات راهبردی با تمامی طرف‌ها، فرصتی را برای عراق فراهم می‌سازد تا به عنوان یک بازیگر پیشرو در منطقه به ایجاد تعادل جدیدی در روابط منطقه‌ای بپردازد. استقلال عمل در سیاست خارجی بغداد بر پایه گفتمان دیپلماسی فعال، اجتناب از درگیری‌ها، مبارزه با تروریسم و تکفیر، گشایش راهبردی در روابط با قدرت‌های منطقه‌ای و کشورهای عربی و همچنین تعاملات صلح‌آمیز با همسایگان بنا شده است. اقدامات دولت محمد شیاع السودانی در راستای استقلال طلبی عراق قابل توجه است. در صورت تداوم این رویکرد و عبور از برخی سهمیه‌بندی‌های قومی و مذهبی، شاهد تنوع در منابع درآمدی و اتخاذ سیاست خارجی مستقل‌تر در دولت‌های آینده عراق خواهیم بود. شواهدی از جمله اتخاذ سیاست خارجی صلح‌آمیز توسط بغداد در تعامل با همسایگان^۱ در سال‌های اخیر، اعلام رسمی حد عراق به عنوان عرصه‌ای برای تهدید همسایگان و اقدامات دولت فدرال در برابر احزاب اپوزیسیون کرد مخالف ایران و ترکیه در اقلیم کردستان، این رویکرد را تأیید می‌کند. در مجموع، عراق با اتخاذ سیاست خارجی متعادل و حفظ روابط حسنه با تمامی قدرت‌های منطقه‌ای به دنبال ایفای نقشی فعال و سازنده در تحولات منطقه‌ای است.

با وجود تلاش‌های بازیگران داخلی و خارجی برای نفوذ در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی عراق، شاهد گامی مثبت در این کشور در دوره کنونی هستیم. دولت سودانی در حال حاضر با کنار گذاشتن اختلاف‌ها و آغاز همکاری با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به دنبال پیشبرد سیاست خارجی فعالی است.

۱. اقدامات دولت فدرال با احزاب اپوزیسیون کردی مخالف ایران و ترکیه در اقلیم کردستان همچون ب ک، پزاک، پاک و... مدعای سخن را تأیید می‌کند.

بازسازی و تقویت روابط دوجانبه با همسایگان، مشارکت فعال در مجامع چندجانبه مانند اتحادیه عرب، گسترش همکاری‌های منطقه‌ای، ترویج گردشگری مذهبی و تبادل فرهنگی و همچنین استقبال از ورود قدرت‌های جهانی به اقتصاد عراق از جمله چین، گام‌هایی در جهت بازیابی نقش منطقه‌ای و بین‌المللی عراق هستند. در واقع، عراق با حفظ توازن در روابط با قدرت‌های سنتی (مانند آمریکا و ایران) و ورود بازیگران جدید به عرصه سیاسی خود به دنبال استقلال عمل در سیاست خارجی است.

نظرسنجی مؤسسه گالوپ نشان‌دهنده افزایش قابل توجه اعتماد مردم عراق به نهادهای ملی سیاسی در دوره نخست وزیری محمد شیاع السودانی است. ۵۶٪ از عراقی‌ها از عملکرد دولت خود ابراز رضایت می‌کنند که بیشترین میزان از سال ۲۰۰۸ تا کنون است. این در حالی است که در سال ۲۰۱۹، تنها ۱۳٪ از مردم از رهبران خود راضی بودند. جوانان زیر ۳۰ سال که نیروی محرک اعتراضات ۲۰۱۹ بودند، نگاه مثبتی به عملکرد فعلی دولت دارند (۶۸٪ رضایت). این نگاه مثبت در میان افراد بالای ۳۰ سال نیز وجود دارد (۷۷٪ رضایت). ۵۵٪ از ساکنان اقلیم کردستان نیز از عملکرد دولت راضی هستند. با وجود دیدگاه‌های متفاوت در زمینه اقتصادی، اعتماد به برخی از نهادهای دولتی رو به افزایش است. در سال ۲۰۲۳، بیش از نیمی از عراقی‌ها معتقدند که وضعیت اقتصادی رو به بهبودی است. ۳۹٪ دیگر نیز معتقدند که زمان مناسبی برای یافتن شغل است که بالاترین میزان امیدواری در یک دهه اخیر است (گالوپ، ۲۰۲۴).

عملکرد دولت سودانی با اتکا به توازن، استقلال نسبی، مبارزه با فساد و تمرکز بر پروژه‌های اقتصادی، تصویری مثبت‌تر از آنچه که در نظرسنجی سال ۲۰۰۶ مؤسسه گالوپ ترسیم شده بود به مردم عراق ارائه می‌دهد. حمایت مردم از این رویکرد، پشتوانه‌ای قوی برای دولت شیاع السودانی در پیشبرد سیاست خارجی عراق خواهد بود.

جدول ۵: تأثیر عوامل داخلی و سیستمی در تحول گفتمانی سیاست خارجی عراق (نویسندگان)

نخست وزیر	دوره	گفتمان	عوامل مؤثر (داخلی)	عوامل مؤثر (سیستمی)
نوری المالکی	2006 - 2014	وابستگی به قدرت‌های خارجی	- ساختار قدرت جدید عراق - نخبگان سیاسی و اپدولوژی‌های حاکم	- رقابت ایران و آمریکا - اشغال عراق توسط داعش
حیدر العبادی	2014 - 2018	توازن قدرت بین بازیگران منطقه‌ای	- مطالبات و اعتراضات مردمی	- توافقنامه امنیتی بغداد - واشنگتن - فشارهای بین‌المللی
مصطفی الکاظمی	2020 - 2022	ناسیونالیسم عربی	- اعتراضات مردمی - قدرت‌گیری جریان صدر	- بحران‌های امنیتی - روابط با کشورهای عربی
محمد شیاع السودانی	2022 تاکنون	توازن قوا و استقلال نسبی	- افزایش اعتماد مردم به دولت - حمایت مردم از گفتمان توازن قوا و استقلال نسبی	مداخلات ایران بر ضد ناسیونالیسم و سکولاریسم عراقی

نتیجه‌گیری

با وجود سقوط رژیم بعث و تشکیل جمهوری دموکراتیک فدرال عراق در سال ۲۰۰۳، شاهد تبلور یک سیاست خارجی ثابت و مستقل در بغداد نبودیم. بازیگران داخلی و خارجی متعددی در این امر دخیل بوده‌اند و باعث شده‌اند تا عراق فاقد دیدگاه روشن و منسجمی در سیاست خارجی خود باشد. عملکرد دیپلماتیک عراق تحت تأثیر عوامل متعددی در محیط‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین بحران‌هایی بوده که این کشور با آنها روبرو بوده است.

علاوه بر متغیرهای سیاسی و امنیتی، منافع اقتصادی و مالی ناشی از گسترش روابط اقتصادی در نظام بین‌المللی، دولت‌ها را به یکدیگر وابسته می‌کند و قدرت آنها را افزایش می‌دهد. وابستگی مطلق یا نسبی یک کشور به کشور دیگر (مانند وابستگی عراق به برق و گاز ایران) می‌تواند حساسیت‌های ملی را برانگیزد و برداشتهای تهدیدآمیز را تقویت کند. (نمونه: افکار عمومی عراق نسبت به ایران)

در چنین شرایطی، دولت وابسته (عراق) یا به سوی قدرت اول (ایران) تمایل پیدا می‌کند که این امر می‌تواند قدرت دوم (مثلاً آمریکا) را در معرض تهدید قرار دهد یا اینکه عراق ممکن است با ناامیدی از وابستگی به یک قدرت به سوی قدرت دیگری (شورای همکاری خلیج فارس، ترکیه، چین، اتحادیه اروپا و...) تمایل پیدا کند که در هر دو حالت، ثبات و امنیت منطقه را به خطر می‌اندازد.

بنابراین می‌توان گفت بر مبنای نظریه واقع‌گرایی نوکلاسیک، حفظ توازن و تنش‌زدایی، سیاست خارجی عراق را در مسیر رسیدن به امنیت سیاسی و اقتصادی در سال‌های اخیر شکل داده است. این روند با ورود بازیگران مهم بین‌المللی مانند چین، روسیه و کره و سرمایه‌گذاری‌های کلان در توسعه ابرپروژه‌های اقتصادی فاو الکبیر و کانال توسعه با رویکرد گفتمان توسعه‌گرایی در مسیر استقلال سیاست خارجی عراق حرکت می‌کند.

همانطور که دیگر پدیده‌های اجتماعی دستخوش تحول و دگرگونی می‌شوند، سیاست خارجی کشورها نیز ایستا نیست. سیاست خارجی بغداد هم قبل از ۲۰۰۳ به طور مطلق در دست صدام حسین بود، اما پس از اشغال نظامی و در پی اقدامات بازیگران در سطوح ساختاری و واحد، شاهد وابستگی، سپس توازن و در نهایت گام‌هایی در جهت استقلال نسبی در سیاست خارجی عراق هستیم؛ به عبارت دیگر، بغداد در سال‌های اخیر با اتکا به توازن در سیاست خارجی و استقلال‌طلبی در حال گذار از ایدئولوژی محوری به سمت منفعت‌گرایی اقتصادی است.

کتابنامه

- احمدی، فرج الله، قزوینی حائری، یاسر (۱۳۸۲)، فرآیند تدوین قانون اساسی عراق «فصلنامه سیاست»، ۲(۴۰): ۱۹-۳۸.
- افشون، تورج (۱۳۹۴)، دین و علمانیت در ساختار حقوقی-حاکمیتی عراق، «فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام»، ۳(۱۶): ۴۵-۶۸.
- افشون، تورج، عبدالحسین الله کرم (۱۳۹۹)، سیاست خارجی عراق در برابر جمهوری اسلامی ایران، «آفاق امنیت»، ۱۳(۴۶): ۱۲۵-۱۵۵.
- حبیب زاده، توکل؛ منصوریان، مصطفی (۱۳۹۲)، وظایف و اختیارات دادگاه عالی فدرال جمهوری عراق، «دانش حقوق عمومی (بررسی‌های حقوق عمومی سابق)»، دوره ۲ (۶): ۹۵-۹۰.
- د. صباح نعاس شنافة (۲۰۱۲)، استراتیجیة السياسة الخارجية العراقية لما بعد عام ۲۰۰۳ «مرکز الدراسات الدولية»، جامعة بغداد، العدد (۵۱)، ۱۲۱-۱۳۸.
- زبیدی، حسن لطیف (۱۳۹۵)، «عراق در جستجوی آینده»، ترجمه علی شمس، تهران: انتشارات اندیشه سازان نور.
- سلیمان الدباغ و آخرون (۲۰۰۸)، الاستراتیجیة الأمريكية فی العراق والمنطقة «مطبعة البیتة»، ندوة بیروت- لبنان، ۱۷۱-۱۸۵.
- عبدالرزاق، صالح (۲۰۲۰)، السيد سیستانی و دوره فی العراق، الطبعة الاولى، بغداد: «مرکز الهدی للدراسات الحوزویة».
- قائمی، یاسر، قیاسی، صابر (۱۴۰۲)، سیاست خارجی عراق و روابط با ایران در پرتو تغییر حاکمان سیاسی عراق (بعد از سقوط صدام ۲۰۰۳-۲۰۲۲)، «مطالعات سیاسی بین‌النهرین»، ۲(۲): ۲۹۳-۳۰۳.
- گریفیتس، مارتین (۱۳۹۱)، نظریه روابط بین‌الملل برای سده بیست و یکم، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
- آنتونی اچ. کوردسمن، (۱۳۹۸)، «شکست استراتژی امریکا در غرب آسیا: از دست دادن عراق و خلیج فارس، بخش اول»، مؤسسه آینده پژوهی جهان اسلام، قابل دسترس در: <http://www.iwfs.com/islam-world/islam-world-notes-and-papers/1252>.
- ازکات، سمیرا (۱۴۰۰)، «دولت موقت الکاظمی: روابط عراق و عربستان، تقویت ناسیونالیسم عربی؛ علل و پیامدها»، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، قابل دسترس در: <https://www.cmess.ir/Page/View/2021-04-21/4721>.